

بررسی آداب و عادات اجتماعی آسیب زنده بر اقتصاد دوره قاجار با تکیه بر مندرجات روزنامه «حبل المتین کلکته»

شیرین شریفی*

چکیده

در هر سرزمین، مردم دارای گونه‌هایی به خصوص از آداب و عادات اجتماعی هستند که تقریباً در تمامی آنها کم و بیش دیده می‌شود. طبیعی است که این خصوصیات و عادات دارای نتایج جامعه‌شناسی در بسیاری از ابعاد است. هدف پژوهش حاضر بررسی برخی از این عادات و رفتارهای اجتماعی در جامعه روزگار قاجار است. که از منظر آسیب‌رسانی به اقتصاد آن روزگار در کنار علل اصلی مورد پژوهش قرار گرفته است. از جهتی نیز مطبوعات به دلیل نقش آنها به عنوان مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی در زمانه خویش، در تحقیق‌های تاریخ معاصر حائز اهمیت می‌باشند، این مقاله نیز منبع مطالعات خویش را براساس مندرجات هفتگی «حبل المتین کلکته» قرار داده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ریشه‌ها، عوامل و پی‌آمدهای بازدارنده رشد اقتصادی این گونه خصائص و رفتارها در ایران دوره قاجار است.

این مقاله که به روش توصیفی-تبیینی و با مطالعه بیش از صدها شماره از روزنامه حبل المتین این نتیجه رسیده است که از دیدگاه نشریه این خصوصیات و رفتارها ریشه در باورهای کهن، سنت‌گرایی، خرافه پرستی و برداشت‌های نادرست از آموزه‌های دینی، عدم علم و آگاهی کافی و در برخی از آن‌ها فخر و مباهات و زیاده خواهی است.

کلیدواژه‌ها: آداب، عادات اجتماعی، آسیب، قاجار، اقتصاد، روزنامه حبل المتین.

* دکترای تاریخ ایران اسلامی، دبیر دبیرستان و مدرس دانشگاه فرهنگیان (امیرکبیر استان البرز)،
sh-sharifi4747@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴

۱. مقدمه

عادات و اخلاق اجتماعی در هر جامعه برگرفته از فرهنگ آن جامعه می‌باشد. اگر فرهنگی دارای عناصر پویا و خلاق باشد، موجب توسعه و بالندگی آن سرزمین در تمامی زمینه‌ها، از جمله اقتصاد آن خواهد بود، عکس این موضوع نیز صادق است. این عناصر چگونه می‌توانند بر فراز و فرود اقتصادی ملت‌ها تأثیرگذارده و موجبات توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی آن را فراهم سازد؟

در بررسی پیشرفت یا عدم پیشرفت اقتصادی هر کشور، دلایلی چون عقب ماندگی در سه بخش مهم کشاورزی، تجارت و صنعت از عمده علّت‌ها محسوب می‌شود؛ اما باید توجه داشت، خلیقات، عادات اجتماعی، رفتارهای هر ملت در کنار دلایل ذکر شده قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست.

گرچه برخی از این عادات و رفتارها در هر سرزمینی نهادینه شده و به ارث رسیده است؛ اما نمی‌توان نقش دولت‌ها را در طول تاریخ در بوجود آمدن اینگونه عناصر فرهنگی، تأثیرگذار بر اقتصاد نادیده انگاشت. آغاز و انجام تاریخ ایران مشمول از یک داستان تکراری است، با نگاهی اجمالی به تاریخ هر سرزمین به خوبی می‌توان پی برد که دولت‌ها تا زمانی که حمایت کننده از فرهنگ پویای رشد اقتصادی در مملکت خویش بوده‌اند از مواهب توسعه نیز برخوردار بوده‌اند و به هنگام انحطاط در این زمینه، به زانو درآمده و دچار مشکلات اقتصادی شده‌اند. دوره قاجار نیز از این قاعده مستثنی نبود، به نوعی می‌توان گفت دریافت‌های اشتباه از فرهنگ، مذهب، امرار معاش، بهداشت و نظافت و ... توسط مردم عادی و حکومت به عنوان مؤلفه نگاهدارنده، یکی دیگر از مصیبت‌هایی بود که درکنار بسیاری از علّت‌ها، بر پیکر بیمار اقتصاد آن روزگار وارد می‌آمد.

در پژوهش‌های اقتصادی به این بعد از ابعاد کمتر پرداخته شده است، شاید به دلیل اینکه در عوامل سبب ساز فرعی‌تر و جزئی‌تر قرار گرفته‌اند.

ثبت اینگونه موارد را بیشتر می‌توان در سفرنامه‌ها و خاطرات دید که اغلب به دست بیگانگان به رشته تحریر درآمده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که به هنگام مطالعه خاطرات و سفرنامه‌ها، باید شرط احتیاط را رعایت کرد؛ زیرا نوشته‌های برخی از آنان همراه با تعصب و سطحی‌نگری، بخصوص در مسائل دینی است.

روزنامه‌ها رامی‌توان یکی از مستدل‌ترین و قابل اعتمادترین منابع راجع به عادات و رفتارهای اجتماعی هر جامعه‌ای، در هر مقطع زمانی در تاریخ معاصر دانست.

هفته نامه حبل المتین یکی از روزنامه‌های معتبر دوره قاجار است که به صورت هفتگی در کلکته‌ی هندوستان از سال (۱۲۷۲ ش، ۱۸۹۳ م) تا (۱۳۰۹ ش، ۱۹۳۰ م) چاپ و در ایران و برخی از کشورهای همسایه توزیع می‌شد.

بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران که مطالعات ارجمندی راجع به روزنامه داشته‌اند اذعان می‌کنند؛ با وجودیکه سیدجلال‌الدین خود در کسوت یک روحانی مذهبی بود؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی تفکر مذهبی ایرانیان، سعی وافر در روشنفکری دینی و کنار نهادن انزوای افراطی و دنیاگریزی نامعقول داشت، باید متوجه بود که برداشت‌ها و دریافت‌های اشتباه از آموزه‌های دینی ریشه در باورهای کهن ایرانی داشت. مورخ این دوران باید تصویری درست از روزگار زمان مورد تحقیق داشته باشد تا بتواند قضاوتی صحیح را ارائه بدهد. آیا این عادات و رفتارها به طور عمده از عقاید و باورهای مذهبی برمی‌خواست؟ بدون شک پاسخ به این سؤال منفی است؛ اما لاقبل نگارنده چنین دریافت می‌کند که مکاتبان، ارسال کنندگان، و دست اندرکاران نشریه بیشتر موضوعات را ساده انگارانه از دید دین و مذهب مورد کاوش و بررسی قرار داده‌اند و منصفانه است که اگر بگوییم تلاش مؤیدالاسلام و همکاران وی در ایجاد یک قرائت جدید از دین و روشنفکری دینی در ایرانیان آن دوره همواره مورد نظر بوده است. دور از حقیقت نیست اگر بگوییم که روزنامه در کنار این هدف با دلسوزی تمام در کنار جنبه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی، رسالت عظیمی را در بهبود اوضاع نابسامان اقتصادی آن دوران با خود حمل می‌کرده است و به هیچ عنوان غافل از این موضوع مهم نبوده است. اصرار مؤیدالاسلام بر این بود که انقلاب فرهنگی در ایران که احتیاج شدید به آن حس می‌شد فقط بایستی در سایه جراید تولید شود. ارسال کنندگان مکتوبات که تعداد قابل چشمگیری از آنان شب و روز خود را در بین هموطنان خود که آلوده اینگونه عادات و رفتارها بودند گذرانده و می‌توان گفت از طبقه آگاه و روشنفکر جامعه خویش بودند و درک عمیقی از اینگونه مسائل داشتند با اطلاع رسانی و استمداد طلبی، کارگزاران حبل‌المتین را در این راه تشویق و یاری رساندند.

این مقاله همان‌گونه که از عنوان آن پیداست به بررسی برخی از عادات و رفتارهای اجتماعی ایرانیان در دوره قاجار، براساس مندرجات روزنامه «حبل‌المتین کلکته» می‌پردازد، خلیات و عاداتی که اثر بازدارنده در پیشرفت اقتصادی آن عصر همراه دیگر عوامل داشته است. پرسش اصلی تحقیق این است که عادات و رفتارهای اجتماعی آسیب زنده به

اقتصاد، از دیدگاه نویسندگان نشریه دارای چه ویژگی‌هایی است؛ به عبارت دیگر در پی تبیین موضوعات زیر هستیم:

۱. تبیین چگونگی و چرایی ریشه‌های این عادات و رفتارها از نگاه روزنامه؛
۲. پی آمدهای بازدارنده این عوامل بر اقتصاد آن روزگار؛
۳. نقش حکومت در رواج و تأیید این عادات؛
۴. پیشنهادات و راه‌حل‌های نویسندگان و دست‌اندرکاران روزنامه بر این موضوع.

۲. پیشینه تحقیق

چنانکه در مقدمه گفته شد، سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع موضوع مورد نظر می‌باشند که توسط مأموران، سفیران و کاوشگران که هر یک با هدف معینی پا به ایران گذارده و تحت عناوین مختلف نوشته‌های خود را به رشته تحریر در آورده‌اند. از میان این کتب می‌توان به ایران و قضیه ایران (کرزن، ۱۳۶۷: ج ۲ و ۱)، سفرنامه پولاک (پولاک، ۱۳۶۸)، از شوش تا کلد (دیولافوا، ۱۳۷۱) اشاره کرد. چندین سفرنامه نیز وجود دارد که نویسندگان آنان، روشنفکران ایرانی بوده‌اند که توانسته‌اند با درک عمیق و صحیح آن روزگار توصیفی با ارزش از جامعه آن روزگار به جای بگذارند. سفرنامه ابراهیم بیگ (مراغه‌ای، ۱۳۲۳) که پیش‌تاز تمامی نویسندگان در این زمینه است. هم‌چنین سفرنامه حاج سیاح (حاج سیاح، ۱۳۵۹) نیز در نوع خود بسیار با ارزش است. علاوه بر این در کتابهایی با موضوعات اقتصادی می‌توان مطالبی در رابطه با پژوهش مورد نظر یافت. اقتصاد ایران در قرن نوزدهم (عسیوی، ۱۳۸۸) از جمله این کتب ارزشمند است. سلامت مردم در ایران قاجار (فلور، ۱۳۸۶) نیز در بخشی از این پژوهش یاری‌رسان مفیدی است.

از مهم‌ترین تحقیقات و پژوهش‌هایی که در رابطه با اندیشه‌های حبل‌المتین و مفاهیمی که راجع به موضوع این مقاله به آن پرداخته شده است می‌توان به مقاله «موانع اجتماعی - فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران عصر قاجار» نوشته عبدالمهدی رجایی (۱۳۹۳) اشاره کرد. نویسنده در توضیح دلایل توسعه نیافتگی ایران - به خصوص در بخش خصلت‌های ایرانی که مغایر با فعالیت جمعی اقتصادی است - از دیدگاه‌های روزنامه‌های متعدد و به خصوص هفته‌نامه حبل‌المتین استفاده فراوان برده است. مقاله بررسی حمل و نقل در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، براساس مندرجات روزنامه «حبل‌المتین کلکته»

که توسط نگارنده و همکاری دکتر غلام حسین زرگری نژاد و دکتر سینا فروزش (۱۳۹۵) تهیه شده است، در بخشی از آن به خصوصیات غیراقتصادی بخشی از جامعه و پیامد آن در اقتصاد پرداخته شده است. همچنین در مقاله‌ای دیگر از کار مشترک همین نویسنده با آقایان دکتر غلام حسین زرگری نژاد و دکتر سینا فروزش (۱۳۹۶)، با نام «بررسی وضعیت معادن در دوره قاجار با تکیه بر مندرجات روزنامه «حبل‌المتین کلکته»، می‌توان در انتقاد از دیدگاه و عملکرد مردم جامعه آن روزگار در عدم بازدهی اقتصادی معادن، مطالبی با مضمون مقاله حاضر یافت.

از نزدیک‌ترین موضوعات مقاله پیش رو می‌توان از مقاله «بررسی مسائل اجتماعی ایران در حبل‌المتین» به نویسندگی نظام بهرامی کمیل (۱۳۸۸) نام برد که در آن عادات اجتماعی ایرانیان آن روزگار را از نگاه روزنامه حبل‌المتین بررسی کرده است و از متأخرین و به روزترین مقاله هم راستا با مقاله حاضر، مقاله‌ای است با عنوان «تحلیل رویکرد و راهکار روزنامه حبل‌المتین کلکته در قبال ترقی و علوم جدید ۱۳۱۳-۱۳۲۸ق) براساس نظریه انتقادی» نوشته مهدی فرجی (۱۳۹۸) که در قسمت آسیب‌های جهل و ناآگاهی زعمای و مردم عادی هم‌نشین نگارنده است. وجه تمایز و نوآوری این مقاله با پژوهشهایی که ذکر آن رفت، موضوع جدید، ملموس و قابل تأمل آن است که مطالب و نگاه‌های خویش را بر اساس یکی از معتبرترین روزنامه‌های آن دوره قرار داده است. حبل‌المتین چهار دهه، از زبان مراسله‌کنندگان خویش و سردبیر، مطالب و مقالات ارزنده‌ای را از یکی از مقاطع مورد توجه دوره قاجار که نهضت مشروطه نیز در آن می‌گنجد به خوانندگان خویش عرضه می‌دارد و امتیاز نام و عنوان مقاله حاضر در رابطه با روزنامه در این است که شتابزدگی و کمبود وقت کافی جهت تجزیه و تحلیل رویدادها که از تقایص روزنامه‌نگاری است، شامل بحث مورد نظر نمی‌شود و شاید هم مهمترین یافته‌های این تحقیق در قسمت راه حل‌های ارائه شده برای عادات و رفتار آسیب‌زننده بر اقتصاد از منظر دینی است.

۳. عدم توجه به مراقبت‌های بهداشتی

۱.۳ آلودگی آب‌ها

آلودگی آب، از برجسته‌ترین دلایل انتقال بسیاری از بیماری‌های مسری در جوامع انسانی روزگاران قدیم بود، جامعه عصر قاجار نیز این قانون مستثنی نبود^۱. در مناطق روستایی

آب از چاه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها و یا رودها تأمین می‌شد که همه آنها آلوده بودند. در شهرها آب از جوی‌های آب باز، چاه‌ها و آب انبارهای حیاط خانه‌ها تأمین می‌شد، با این شرایط، مالکین خانه‌ها، اجازه هیچ اقدام پیشگیرانه بهداشتی را نمی‌دادند، عقیده آنها با برداشتی اشتباه از شرع اسلامی که آب روان، یا آب راکد را در اندازه‌ای مشخص با عناصر ناپاک آلوده نمی‌شود تقویت می‌شد. هر چند که از دیدگاه مذهبی این نظریه ممکن است درست باشد؛ اما مسلماً از دیدگاه علم پزشکی جایز نبود. (فلور، ۱۳۸۶: ۸۲)، بدین ترتیب اگر صد نفر هم در حمام استحمام می‌کردند، معمولاً آب تجدید و تعویض نمی‌شد؛ زیرا مطابق مقررات مذهبی این آب‌ها با وجود انباشته شدن از عناصر گوناگون هرگز ناپاک نمی‌شدند. (پولاک، ۱۳۸۶: ۲۴۵). نگارنده‌ای نیز در نامه‌ای به روزنامه از اینکه آب حمام‌ها، چندین ماه یکبار نیز عوض نمی‌شود، شکوه دارد (حبل‌المتین، ۱۲ ذی قعدة ۱۳۱۸: ۱۹). تصویری صادقانه از یک صاحب نظر از حمام‌های آن روزگار در حبل‌المتین جالب و خواندنی است وی می‌نویسد:

... هر کسی از کثافات هواپیه یا اسباب‌های دیگری که آنها را ذکر نمی‌کنم مبتلا به مرضی گردد وعده‌گاه حمام هاست - حمامی با آنکه برای العین می‌بیند مریض است محض ده پول که وجه حمام اوست مانع نمی‌شود لابد اینگونه معاشرت موجب سرایت مرض می‌گردد ... چه عرض کنم که آب خزینه‌ها چه رنگ و تعفنی دارد ... اهل ایران عموماً و اهالی این شهر خصوصاً نفرت از این آب‌ها حمامی که خودشان اقلاً صدمرتبه در او بول کردن ندارند. لطیف‌تر آنکه بسیاری را دیده‌ام که آن آب را حین ورود به خزینه لازم می‌شمارند در دهان کرده بلکه بقدری میل فرمایند... (حبل‌المتین، ۲۶ صفر ۱۳۱۸: ۱۶).

ابراهیم بیگ نیز که خود شاهدی بر ماجراست از کثیفی و آب‌های حمام‌های ایران را به «پر طاووس» تشبیه می‌کند و قسم می‌خورد که دگر در ایران به حمام نرود.^۲ (مراغه‌ای، ۱۳۲۳: ۳۴ و ۱۴۹).

خزانه حمام‌ها از آب‌های آلوده انباشته می‌شد؛ زیرا خود استفاده کنندگان، نهرهایی را که تأمین کننده منابع آب حمام‌ها بودند را به انواع کثافات آلوده می‌ساختند (حبل‌المتین، ۱۸ صفر ۱۳۲۳: ۱۰)؛ با این وصف بسیار عادی جلوه می‌نمود که همه ساله چندین نفر در اثر این سهل‌انگاری و بی‌تدبیری جان می‌سپردند (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۲۴: ۲۱).

چنانچه ملاحظه می‌شود، مکاتبان در این گزارشات بیشتر به جنبه‌های فردی و اخلاقی افراد جامعه پرداخته و عناصر مذهبی در لایه‌های پنهان اینگونه نظرات جای دارند؛ زیرا جنبه‌های دینی و سوء برداشت از دستورهای شریعت در این امر را می‌توان تسهیل کننده رفتارهای نابخردانه ایرانیان در زمینه بهداشت دانست. ذکر این نکته ضروری است که نگاه مراسله‌کنندگان ساختار محور نبوده و تکیه بر خصایص فردی از ارزش انتقاد آنها می‌کاهد.

۲.۳ عدم رعایت بهداشت فردی

بهداشت فردی به اقدامات محافظت کننده‌ای گفته می‌شود که مسئولیت رعایت آن بیشتر خود فرد است و باعث ارتقای سلامت شخص و محدود کردن انتشار بیماری عفونی، به خصوص بیماری‌هایی از نوع تماس مستقیم می‌شود.

در دوره قاجار، مردم از گستره وسیعی از بیماری‌ها در رنج بودند که در مقابل، زیرساخت‌های سنتی موجود، درمان‌های مؤثر ناچیزی را ارائه می‌دادند. علت وجود این مصیبت طبی، نبود بهسازی و عدم بهداشت شرایط فردی بود که مردم در آن زندگی می‌کردند و از شیوه اجتماعی و چگونگی لباس پوشیدن آنها منشاء می‌گرفت (فلور، ۱۳۸۶: ۲۱۶). وب، طاعون و پس از آن آبله، از بیماری‌های شایع در آن دوره بود که نه تنها در ایران؛ بلکه در بسیاری از نقاط دنیا، جان بسیاری از انسان‌های مبتلا را تهدید کرده و می‌گرفت. در سال‌های انتشار روزنامه، بارها و بارها شیوع این بیماری مشاهده و در روزنامه درج شد.^۳ بندر بوشهر از آسیب پذیرترین بناوری بود که بیماری از این مکان به دیگر مناطق ایران سرایت می‌کرد.^۴ بهداشت بناور، در وضعیت بسیار نامساعدی به سر می‌برد و این نبود مگر از بی‌اعتنایی کارکنان و تاجران و مردمی که در آن زندگی می‌کردند. حبل‌المتین اعتقاد داشت: «... کثافت بناور ایران در تمام عالم ممتاز است و از تمام دکتران این مرض را از تعفن هوایی که از غلظت و کثافت تولید می‌شود دانسته اند» (حبل‌المتین، ۲۱ شعبان ۱۳۱۴: ۱۱۹)

۳.۳ ترویج عقاید خرافی

از خصوصیات فردی و جمعی جامعه روزگار قاجار، پناه بردن به عقاید خرافی و علل ماورای طبیعی بود. این امر را می‌توان، راه‌گریزی دانست که از عدم دانش طبابت و کمبود

امکانات درمانی، خامی، بی‌اطلاعی، ترس از موهومات و غیر تخصصی شدن اندیشه دانست. گاه و بیگاه، حتی حس دلسوزی بیگانگان را بر می‌انگیخت تا به یاری آنان بشتابند. (حبل المتین، ۲۹ ذی حجه ۱۳۲۳: ۸)، روزنامه مردم نادان و جاهل آن روزگار را سرزنش می‌کند که از درمان بیماری خود توسط مأموران ابا داشتند و بر باورها و موهومات پیشینیان خویش پافشاری کرده و توصیه‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کردند از «مزیت جهالت» گاه خانواده بیمار، اجرای مراسم مذهبی را بر چاره‌جویی عقلانی و رفع بیماری ترجیح می‌دادند. درجایی از روزنامه به هنگام بروز بیماری طاعون می‌خوانیم:

«... مردم مانند سابق بروضه خوانی و توسط بسیدالشهدا علیه السلام اشتغال ورزیده ولی هیچ در فکر تطهیر شهر که کثافت فوق العاده باعث تولید این مرض شده نیستند و از حماقت خود را بیچاره افکنده متوسل بایمه هدی میشوند» (حبل المتین، جمادی الاول ۱۳۲۹: ۱۹).

۴.۳ باورهای مذهبی آمیخته با تعصب

باورهای مذهبی آمیخته با تعصب و ناآگاهی مصیبت دیگری بود در این راه، قوانین سخت و لاتغییر موقوفات نیز پی آمدهای نامطلوب خود را به جای می‌گذارد. به عنوان مثال هنگامی که حکومت مراغه تصمیم گرفت دیباغ خانه‌ها را که مورث امراض مختلفه بودند به خارج از شهر منتقل کند، متولیان مخالفت شدیدی کرده و مانع شدند زیرا دکان‌ها و دباغ خانه‌ها که وقف مساجد بود با این کار خالی مانده و ضرر به موقوفات می‌رسید (حبل المتین، ۳ صفر ۱۳۲۵: ۱۴).

در این شکوائیه‌ها نیز ریشه‌ها و علل مصائب به تفکرات مذهبی تقلیل یافته است و از نقش حکومت در اینگونه مشکلات غافل مانده‌اند. در حالیکه در همان زمان در کشورهای پیشرفته جهان، دولت‌ها مسئولیت‌های بیشتری نسبت به حکومت ایران در قبال بهداشت جامعه داشتند. برخی از مراسله کنندگان حبل‌المتین از کشورهای بیگانه بودند و شرایط بهداشتی ایران را نیز با سرزمین‌های دیگر در نوشته‌های خود توصیف می‌کردند؛ تا شاید دولتمردان و خوانندگان ایرانی را به فکر چاره وا دارند و آگاه سازند. یکی از نمایندگان ایران در عثمانی، پس از اینکه رشد علم آبله کوبی را در عثمانی موفق می‌داند، از ایرانیان انتقاد می‌کند که «... دانسته و فهمیده ایرانیها جگر پاره‌های خودشان را گرفتار مرگ ناگهانی نموده نعوذ بالله نسبت به قضا و قدر می‌دهند...» (حبل‌المتین، ۲۶ رمضان ۱۳۲۲: ۱۰).

تقدیر گرایی و اعتقاد ساده لوحانه به خواست خداوند بدون دخالت و اراده انسان، بلایی بود که از دیرزمان گریبان ایرانیان را گرفته و کما بیش اکنون نیز مشاهده می‌شود. این عقیده سبب می‌شود تا انسان مسئولیت و عواقب رفتارها و اعمال خویش را نادیده گرفته و علت آن‌ها را از جایی دیگر بجوید.

۵.۳ نقش حکومت در عقب ماندگی سلامت و بهداشت

نقش حکومت در عوامل و ریشه‌های بروز بیماری‌ها قابل انکار نبود. یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت به هنگام شیوع بیماری انجام عمل قرنطینه بود که در بسیاری اوقات به علت نبود مدیریت و سوء تفاهم حکام محلی، یا انجام نمی‌شد یا در انجام آن تعلل و کوتاهی می‌ورزیدند؛ چنانکه در بسیاری اوقات با وجود دستور کنترل و قرنطینه، بیماری به سرعت به شهرهای دیگر سرایت می‌کرد (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۳۵).

حبل‌المتین بسیار متأثر بود که هشدار وی در سه سال، مبنی بر علاج و کنترل بیماری طاعون، هیچ‌گونه باز خوردی نداشت و به زعم روزنامه بی‌توجهی حکام عاقبت این نتیجه را به دنبال داشت که انگلیس بر رعیت ایران در بوشهر سخت گرفته هر قانونی بخواهد می‌گذارد و این نتیجه بی‌اعتنایی دولت است که «... امروز مثل مردمان کور و کر آنچه دشمنان ما می‌گویند تصدیق نمائیم ...» (حبل‌المتین، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۱۷: ۴۷۵). شاید مراسم کنندگان این متون با همفکری دست اندرکاران و سردبیر روزنامه در این مواضع متوجه علت غیرقابل انکار کوتاهی حکومت گشته و تا بدانجا پیش رفته‌اند که قصور آنها را حتی در زمینه بهداشت عامل دخالت دولت‌های بیگانه فرض کرده‌اند؛ البته در این مورد نیز جانب احتیاط را رعایت کرده و پیکان انتقاد خود را به حکام محلی نشانه گرفته و خود را از قهر رأس هرم در حکومت محفوظ داشته‌اند.

البته باید تصدیق کرد مواردی نیز دیده می‌شد که حاکمان و رؤسای نظمیه شهرهای مختلف دست به اقداماتی می‌زدند اما سستی و بی‌اعتنایی ساکنان مانع از همکاری آن‌ها شده و اقدامات سترون می‌ماند.^۵ (حبل‌المتین، ۵ جمادی الثانی ۱۳۲۳: ۱۱). حتی بعضی مواقع معاندت‌های شخصی و حسادت‌ها در مقام تخریب و تزییع خیرین به این امور بر می‌آمدند که حبل‌المتین آن را از خلیات بی‌انصافی مردمان کشورش می‌داند (حبل‌المتین، ۱۸ صفر ۱۳۲۳: ۱۰)

با مروری بر مطالب، عنوان شده می‌توان گفت، در عصر قاجار وضعیت بهداشتی مانند دوره‌های پیش در سطح نازلی قرار داشت، رعایت بهداشت فردی و عمومی در جامعه از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نبود و تنها در اجرای احکام شرعی و دستورات اسلامی طهارت و پاکیزگی به هنگام عبادات شرعی، بهداشت فردی، آنهم به شکلی ناقص اجرا می‌شد. شیوع بیماری‌های مسری که آب‌های آلوده از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار آن بود باعث مرگ و میر تعداد زیادی از ایرانیان شد و در نهایت به کاهش محسوس جمعیت در عصر قاجار انجامید. این نظریه نیز اندیشمنداست که نویسندگان روزنامه بر این اندیشه نیز اصرار می‌ورزیدند که ضعف جامعه و حکومت ایران در جاری ساختن قوانین بهداشتی و آثار آن، بهانه‌ای دیگر برای حضور بیگانگان - به خصوص در جنوب کشور - را بوجود آورد.

۴. تن پروری و بیکاری

۱.۴ درک نادرست از آموزه‌های دینی

عقاید و آموزه‌های دینی مبنی بر ترک دنیا و معیشت، روی آوردن به آخرت به شکل افراطی بر پایه برداشت‌ها و قرائت‌های اشتباه از آموزه‌های دین اسلام، تقدیرگرایی در کسب روزی و باور به آن، از جمله بهانه‌های ایرانیان، در عدم تکاپوی کافی و وافر در امر ثروت اندوختن و گذران معیشت است. خط فکری و باور اعتقادی مسئولان حبل‌المتین و نگارنده - های مقالات آن در سرتاسر سال‌های انتشار، حاکی از مبارزه با اینگونه عقاید سستی پسند بود. چنین برداشت می‌شود آنان با درک صحیح از مرزهای شایسته دنیا و آخرت و گرایش - های روشنفکری دینی هرگز تسلیم اینگونه دریافته‌های غلط نشده و همواره دیگران را نیز ترغیب و تشویق به پرداختن به امور اقتصادی و دنیوی کرده‌اند. در نامه‌ای با توسل به تعلیمات پیامبر در پی ردّ اینگونه ساده انگاریها می‌نویسد: «... پیامبر هرگز دست روی دست نهادند و فرمودند آنچه کردگار خواسته است همان می‌شود...» (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۱۶: ۱۳۸) و در ادامه اشاره می‌کند برخی عقیده دارند پیامبر اسلام، ایرانیان را نفرین کرده و بر مسلمان شدن آنها در زمان های بعد واقف نبوده، بدین دلیل است که ایرانیان دچار فقر و نکبت شده‌اند؛ پس زبان به اعتراض می‌گشاید که «... صدها هزار نفرین بر چنین اعتقاد و معتقد...» و ترقی هر قوم را در سایه این نیت مقدس می‌داند که «دنیا مزرعه آخرت است» (حبل‌المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۱۶: ۱۳۸).

گرچه اعتقاد به مشیت الهی در تمامی امور نیز از باورهای حبل‌المتین و نویسندگانش بود؛ اما حرف آخر آنها این بود: «... تا شخص از امور معاش به یک درجه آسوده نباشد به امور معاد نمی‌تواند پرداخت ...» (حبل‌المتین، ۲۲ صفر ۱۳۱۴:۹) ایرانیان همواره با ملل پیشرفته دیگر، مقایسه می‌شدند و سستی و کاهلی آنان قابل چشم‌پوشی نبود، هندوستان دفتر روزنامه بود و تغییرات چشمگیری در نتیجه حضور انگلیس مشاهده می‌شد، همواره بازرگانان هندی و همّت آنان جهت بیداری تجّار ایرانی مثال زده می‌شد، تاجران ایرانی متهّم بودند که به کارهای ذلیل و پست قانع شده و به آنان فخر و مباهات می‌ورزند (حبل-المتین، ۱۵ صفر ۱۳۱۴: ۱۰).

۲.۴ رفتارهای به ظاهر دینی و ضداقتصادی

تفکرات و رفتارهای دینی ولی ضد اقتصادی از عوامل بازدارنده در تکاپو و تلاش در اندوختن سرمایه بود. دست‌آویزهای مذهبی را شاید بتوان از برجسته‌ترین بهانه افراد تحت عناوین زهدپرستی و فضایل اخلاقی دانست که مردم عادی را به راحتی ترغیب به کمک رسانی مادی به اینگونه افراد می‌کرد و حتی آنان را از اعانت و یاری خویش بسیار خوشنود می‌ساخت؛ چنانچه بر آن مباهات می‌کردند. آستان مقدس ثامن‌الحجج، مشحون از افرادی بود که به جهت تنبلی و بی‌عاری دست از کار کشیده «... و به همان وظیفه آستانه قناعت» می‌کردند. در مقاله‌ای نگارنده آنان را نفرین کرده و می‌نویسد: «... خداوند وجودشان را بلکه سنبل شان را از زمین محو فرماید ...» (حبل‌المتین، ۱۲ رمضان ۱۳۱۷: ۱۲۴). حتی در گزارش‌هایی از شهرها و قصبات دوره افتاده ایران مشاهده می‌شد برخی با ساختن امامزاده‌های خیالی، توجه مردم عادی و بی‌سواد را جلب کرده و با فریب کاری و شعبده بازی در آن جا، از این راه کسب معاش می‌کردند (حبل‌المتین، ۱۸ جمادی الاول ۱۳۱۹: ۱۳).

شاید بیراه نباشد که به نویسندگان حق داد که اینگونه آسیب‌های اقتصادی را از نگاه فرهنگی و خصوصیات اخلاقی ایرانیان به نظاره بنشینند و اصلاح چنین نمودهای مخرب معیشتی را در فرهنگ اجتماعی آنان بیابند که از لحاظ جغرافیایی، مختص کشورهای عقب مانده است که اکنون نیز به وضوح مشاهده می‌شود.

از نمودهای تنبلی و کم کاری آن روزگار قهوه خانه‌ها بود که امروزه نیز در بعضی از نقاط ایران به همین خصوصیت شناخته می‌شوند زیرا به گفته یکی از معترضین «... با استماع داستان‌های بی‌مآخذ نقالان مشغول و از صبح تا شام تریاک کشیده و چای خورده

روزانه اقالاً دو سه قران مصارف بیهوده می‌نماید و از پی کسب و کاری [نمی‌روند]...» (حبل‌المتین، ۸ ذی حجه ۱۳۲۴: ۴). مورد قهوه خانه‌ها، چندان جدی بود که در بعضی ایالات مجالس تجار و اصناف در پی راه حلی جهت جمع آوری این افراد شدند و روزنامه نظرات و دغدغه‌های آنها را ضمن تأیید منتشر می‌ساخت (حبل‌المتین، ۸ ذی حجه ۱۳۲۴: ۴).

۳.۴ عدم توجه به استعدادها و ذخایر مادی در ایران

ایران سرزمینی است با اقلیم و ساخت زمین شناسی متنوع، در قسمت‌های مختلف آن منابع و استعدادهای فراوانی وجود دارد، اما هنوز امروزه نیز بهره برداری بهینه و مطلوب از آن صورت نگرفته است. بخش کشاورزی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. روزنامه با دریافت خبرهای متعدد از نواحی مختلف ایران در این بخش، همواره سعی در نشان دادن و آگاه نمودن خوانندگان خویش از اینگونه الطاف خدادای کرده است. نگارنده ای از مازندران از مردم سرزمین خویش دلگیر بود که به بطالت و کسالت عادت کرده اند و با وجودیکه اغلب میوه‌ها مانند: نارنج، لیمو، پرتقال، انجیر و ... فراوان است. کسی به فکر چیدن و فروش آن نیست. (حبل‌المتین، ۳ رمضان ۱۳۲۴: ۱۴).

فراوانی نعمت تنها مایه بی‌اعتنایی در کسب روزی نبود، در مناطق بیابانی چون بلوچستان نیز به هنگام تقسیم این سرزمین به دست انگلیس مردمان کاهل این سرزمین هنگامی که مناطق بیابانی از ایران جدا شد بسیار خوشنود و راضی بودند، گرچه به زعم سردبیر انگلیس آنها را آباد کرده و رونق داد؛ اما گویا ایرانیان اصولاً بیابان را جزء سرزمین به حساب نمی‌آورند (حبل‌المتین، ۵ ذی قعدة ۱۳۲۳: ۱۴ و ۱۳).

در ارتباط ادامه موضوع بالا نقش نویسندگان با نگاهی به برخی از مقالات حبل‌المتین می‌توان دریافت که نگاه این روزنامه به نویسندگان ایرانی در این زمینه نگاهی انتقادی است زیرا در نامه‌های مراسله کنندگان این نکته محرز است که در کتب چاپ شده، کمتر از موضوعات علمی و امور معیشت دنیوی در انبان نویسندگان یافت می‌شود. مقاله‌ای با عنوان «قدر و قسمت علم و دانش» سودی در کتاب‌های منتشره نمی‌بیند به غیر اینکه «... ملت را تحریص بر تنبلی و کاهلی و فسق می‌نماید...» (حبل‌المتین، ۲۴ ذی قعدة ۱۳۱۷: ۱۳).

۴.۴. نقش حکومت در پروراندن روحیه‌گدایی

روزنامه حکومت را در پروراندن روحیه‌گدایی در بعضی از اقشار جامعه بی‌تأثیر نمی‌داند، این چه کار دولت ریشه مذهبی و چه ریشه سیاسی داشت. در هنگام افتتاح مجلس اول با یک حساب سرانگشتی، دولت سالیانه چهل هزار تومان به موجب بگیران مستری می‌داد، اقدام احمقانه‌ای که در هیچ یک از دول متمدن نظیر آن یافت نمی‌شد، شاید بتوان نظر این نگارنده را با احتیاط قبول کرد که این موجب «... اهالی ایران را بیکار و کسل و تنبل کرده تمام مردم از اول تا آخر چمشان به این موجب دوخته و عقب هیچ کاری [نمی‌روند] (حبل‌المتین، ۲۴ صفر ۱۳۲۵: ۱۰)، کلمه احتیاط به این دلیل آورده می‌شود که گاه تبلی و بی‌قیدی در جامعه، یک نوع مبارزه منفی بود و شامل افرادی می‌شد که با تلاش بسیار با احجافات مأموران حکومتی، نتیجه کم و گاه چیزی نمی‌گرفتند^۱. (راوندی، ۱۳۸۲: ج ۳ / ۱۹۹۰).

مطالب عنوان شده ما را به این نقطه رهنمون می‌سازد که عواملی نظیر: درک نادرست از آموزه‌های دینی مبنی بر ترک دنیا و عدم تلاش فراوان جهت کسب معیشت، اعتقاد به مشیت الهی و ترجیح نادرست معاد بر معاش، قناعت و رفتارهای به ظاهر دینی اما مخالف با اقتصاد پویا، دست‌آویزهای اشتباه مذهبی بر پایه باورهای سنتی و زهدپرستی، گذراندن اوقات فراغت به بطالت و بیهودگی به جای تلاش و تکاپو، عدم توجه به سودآوری ذخایر و استعدادهای مادی و معنوی ایران و بهره‌برداری از آنها، اندیشمندان، نویسندگان روزنامه را متوجه این عقیده می‌سازد که از دیدگاه آنان اینگونه عادات، اخلاق ایرانی بود که خاستگاه آن باورهای درونی و آمیزه‌ای از تقدیرگرایی، امنیت خواهی و سازگاری بود، حتی مشاهده می‌شد که گاهی اینگونه نمودهای رفتاری در تقابل با باورهای اصیل اسلامی درباره ارزش تلاش، تکاپو و کار نیز بود؛ از این رو می‌توان گفت، بخش قابل توجهی از باورهایی که در نگاه اول در ارتباط با دین و دینداری افراد تلقی می‌گردید برآمده از سنت و عرف اجتماعی خود مردم ایران بود و نتیجه آن به طور مستقیم، عقب ماندگی، جاماندن از پیشرفت اقتصادی و کارآوری استعدادها و نیروهای مؤثر در آن را نشانه می‌گرفت. این گونه تعبیرها و جاری شدن آن در جامعه در کنار بسیاری از عوامل اصلی و مهم، بوجود آورنده جامعه‌ای راکد، سست و بازمانده از یک اقتصاد کارآمد و سودآور در اواخر قاجار و حادثه مهم جنگ جهانی اول بود.

۵. انواع تجمل گرایی در طبقات مختلف اجتماعی

تجمل گرایی یکی از پدیده‌های ناهنجار اجتماعی است؛ هر چند نمی‌توان آن را یک ردیلت اخلاقی دانست؛ ولی باید اذعان کرد که آثار آن از یک ردیلت اخلاقی در روحیه فرد و جامعه کمتر نیست.

شاید بتوان گفت این خصیصه را باید بیشتر در دربار و بزرگان و اعیان جستجو کرد تا طبقات متوسط و فقیر، در رأس تجمل گرایی و مصارف بیهوده شاه و سپس درباریان بودند. در رساله «الثالی المربوطه فی جواب المشروطه» پس از شمردن انواع تجمل گرایی - های مضحک شاه می‌نویسد: «... تجملات شخصی سلطنت هر چه باشد و هر قدر بشود ... از رعیت فقیر بیچاره حاصل می‌شود ...» (زرگری نژاد: ج ۲ / ۲۲۰). ناصرالدین شاه در سفرهای چندگانه خود به اروپا به قدری در خرید اسباب آلات بیهوده افراط کرد که موجب تحریک افراد ناراضی شد (کرزن، ۱۳۶۷: ج ۱ / ۵۳۱). پس از شاه، بزرگان چندان زندگی می‌کردند که خود را مستحق همه گونه تجملات سلطنتی می‌دانستند، چندانکه سلاطین و حاکمان پیش از آنها دارای اینگونه اسباب آلات و رفاهیات زندگی نبودند (حبل‌المتین، ۵ ذی قعدة ۱۳۱۸: ۱۱).

به طور یقین در هر زمان و هر جامعه‌ای این روحیه تجمل گرایی به فراخور طبقات به گروه‌های پائین نیز تسری پیدا می‌کند و در اینگونه خصلت‌ها و خصوصیات، اشراف و بزرگان موجبات الگوسازی و فرهنگ سازی را پدید می‌آورند.

تاجران از برجسته‌ترین این گروه‌های اجتماعی بودند. ابراهیم بیگ نیز به سرزنش تاجران تبریزی می‌پردازد که در ساختن کارخانه‌ها هیچ همت ندارند و در چشم و هم چشمی و خرید زمین‌ها، دهات و ساختن عمارت بر یکدیگر پیشی می‌گیرند.^۷ (مراغه‌ای، ۱۳۲۳: ۱۹۳ و ۱۹۲). مردم عادی نیز از اینگونه رفتارهای آسیب زنده بر اقتصاد هر مملکت به دور نبودند، تمایل به خرید لباس‌های فاخر، سبب صرف مبالغ هنگفت در بزازی‌ها و خیاطی‌ها می‌شد. در نوشته‌های روزنامه بر این امر افسوس خورده می‌شد؛ زیرا که «... پارچه‌های گران را به حال فقر پوشیدن دلیل حماقت و سفات [بود]» (حبل‌المتین، ۲۶ محرم ۱۳۲۰: ۱۷). جنبه دیگر قضیه این بود که فرهنگ تقلید از غرب و پوشیدن لباس خارجی، آسیب‌های جدی به تولیدکنندگان پارچه‌های ایرانی و دیگر دست اندرکاران شاغل در این صنف وارد آورده بود (حبل‌المتین، ۹ رجب ۱۳۳۳: ۱۱). در این مسیر زنان پیشتاز بودند. صاحب اندیشی زنان را سرزنش می‌کند که فرنگیان عقل آنان را به سخره گرفته و

می‌دانند هر ماه با رنگ و طرح جدید می‌توانند آنان را بفریبند (حبیل‌المتین، ۵ ذی قعدة ۱۳۱۸: ۱۱).

تجمل‌گرایی به وضوح در مسایل مذهبی و دینی نیز رخنه یافته بود، سفرهای زیارتی، حتی با اندک پول، جهت کسب القابی چون حاجی، کربلایی، مشهدی تلاش هر قشری از جامعه جهت فخر فروشی و مباحثات بود (حبیل‌المتین، ۲۸ ربیع الاول ۱۳۱۹: ۵).

ارزش موضوعات مطرح شده در زمینه تجمل‌گرایی در این نکته نهفته است که نویسندگان نگاه کلان و ساختار محور به مسائل داشته و هوشمندانه آن را در طبقات بالای هرم اجتماعی و در انتها در دربار می‌دانستند.

باور به تجمع ثروت به خاطر مصرف و بی‌رویه که بیشتر مخصوص طبقات مرفه اجتماعی و اقتصادی آن دوره بود، مانع از سرمایه‌گذاری و دارایی‌ها در بخش‌های تولیدی، صنعتی و بسیاری از مراکز سوددهی اقتصادی می‌شد که بازدهی و پول‌آوری آنها می‌توانست به رشد صنعت و بی‌نیازی کشور و از طرفی تأثیر گذاری آن در پیشرفت‌های آینده جامعه آن روزگار باشد.

۶. هزینه‌های زیارت و مراسم مذهبی

۱.۶ عتبات عالیات

۱.۱.۶ افراط و تفریط در زیارت

زیارت ائمه و بزرگان دین اگر با آگاهی و شناخت همراه باشد، عامل حرکت جامعه مسلمین به سوی ساختن دنیایی بهتر، آزادتر و آبادتر می‌شود؛ اما اگر از مسیر حقیقی خویش منحرف شود تبدیل به عاملی مخرب اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. ترویج فرهنگ زیارت ائمه اطهار به شکل نامطلوب آن و افراط در این امر در بسیاری موارد با خرافات، کج‌فکرها و کج‌فهمی‌ها و تعصب‌ها و در شکل دنیوی آن کسب شهرت؛ به خصوص در بین بازاریان بود که نه تنها به غنای معنوی افراد یاری نمی‌رساند؛ بلکه در موقعیت‌هایی، چشم و هم‌چشمی‌های دنیوی را به همراه داشت و مهمترین زیان آن خرج ثروت ایران و جاری شدن آن به سرزمین عثمانی بود. زائران همواره منابع درآمد شهرهایی چون نجف و کربلا را تشکیل می‌دادند، تعداد افرادی که به صورت سالانه به زیارت عتبات عالیات می‌رفتند به یک‌صد هزار نفر می‌رسید (عسیوی، ۱۳۸۸: ۱۹۷). این رقم در

روزهای خاص از سال، همچون عید نوروز به دو برابر نیز می‌رسید.^۸ سه قشر غنی، متوسط المال و فقیر همواره انبوه زائران را تشکیل می‌داد که کل مخارج آنها به بیش از چهار میلیون تومان برآورد می‌شد (عسیوی، ۱۳۸۸، ۱۹۷). این در شرایطی بود که سرزمین ایران از هرگونه امکانات خدماتی، بهداشتی و آموزشی بی‌بهره بود و فقر و تنگدستی بسیاری را راهی سرزمین‌های دیگر و به انجام کارهای پست ناچار ساخته بود؛ گرچه حکومت قاجار، هم چون دوره شاه عباس، سیاست‌هایی برای برگرداندن این هزینه و صرف آن در شهرهای مذهبی همچون مشهد و قم اتخاذ کرده بود (عسیوی، ۱۳۸۸، ۱۹۸-۱۹۵)؛ اما این تلاش‌ها شرط لازم ولی کافی نبود.

۲.۱.۶ خروج ثروت از کشور

تعداد زیادی از نویسندگان روزنامه، پی به ضررهای اینگونه اعمال بیهوده برده و در جهت آگاهی دادن و جلوگیری از خروج ثروت از کشور بودند. برخی با دادن اعداد و ارقام و حساب و کتاب‌های کمال در صدد جلب توجه و هشدار به خوانندگان بودند. مقاله «مکتوب یکی از دانایان» را می‌توان یکی از کامل‌ترین این محاسبات دانست که به طریق مفصل، یک‌یک اعداد تمامی طبقات اجتماعی زائران، هزینه‌های آنها اعم از اقامت، حمل و نقل، تعمیر اماکن، حرم، صحن، قبرستان، وجوهات ریخته شده داخل ضریح و ... را محاسبه کرده و در نهایت مبلغ وارد شده بر خاک عثمانی را سالانه بیست و پنج کرور برآورد می‌کند که «در عوض جز مقداری مهر و تسبیح و بادبزن و مسواک و آب زمزم بر نمی‌گردد ...» (حبل‌المتین، ۱۴ شعبان ۱۳۲۲: ۹ و ۸؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۶).

نشریه در مقاله‌ای لقب «یکی از دانایان» را به نگارنده داده است، در این نوشته نازک بینی و محاسبات دقیق و مطول نویسنده، حاکی از توجه جدی وی به آسیب‌های اقتصادی است که توسط مردم ناآگاه آن روزگار به پیگیری رمق جامعه آن روز وارد می‌آورد. مسکوت ماندن فلزاتی گرانبها مانند طلا و نقره که خرج ضریح‌ها و گنبد‌ها می‌شد، از بلاهای دیگر اقتصادی ایران بود؛ این امر برای آگاهان اقتصادی که اعتراضات آنان در روزنامه درج می‌شد هرگز دلیل عقلانی نداشت. طلای مانده بر روی گلدسته‌ها و گنبد‌ها، هرچه که بود و هر مقدار که زیبا بود، دیگر وسیله مبادله نبود.^۹

اینگونه رفتارها که دارای هیچ گونه تفکر دوراندیش و سودآور نبودند فقط به مردم عادی اختصاص نداشت؛ بلکه در شکل برتر آن و از دیرباز مربوط به سلاطین قبل از دوره

قاجار بود که آنها نیز وارثانی وفادار بودند. خوانندگان آگاه می‌دانند که پادشاهان قاجار چه هزینه‌های هنگفتی جهت مطلقاً کردن قبور ائمه و امامان بخصوص در عراق از خزانه رعیت بینوا صرف نکرده‌اند. علاوه بر آن خزائن کربلا و نجف اشباع از هدایای پادشاهان شیعی ایرانی بود. درج این خبر در روزنامه و اعتراض ایرانیان گواهی بر این مدعاست. هنگامی که شیخ الاسلام اسلامبول فتوی داد که خزائن کربلا و نجف را صرف مدارس و مراکز درمانی کنند. اعتراضات شدیدی از طرف ایرانیان و مقامات ایرانی بر این فتوی وارد شد؛ زیرا که ایرانیان مدعی بودند:

«کلیه این خزائن در صدی هشتاد و پنج از پادشاهان و رجال و رعایای ایران است ... کیست که فکر شود که تاجهای عدیده چندین سلاطین ایران با میلیون‌ها جواهرات شاه وارد در این خزائن گذارده شده ...» (حبل‌المتین، ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ : ۱۰).

در زمان‌های بعد نیز اعتراضات ادامه یافت. زیرا که به حق ایرانیان ادعای تصاحب این اموال را داشتند.^{۱۰}

۲.۶ حمل جنازه به عتبات عالیات

تبلیغ شفاعت ائمه و امامان شیعه چندان در ایرانیان رخنه کرده بود که آرزوی هر شیعه ایرانی بود که پس از مرگ در جوار مشاهیر متبرکه و عتبات عالیات دفن شوند. کثرت و زیادی قبور اشخاص معروف از شاهان، شاهزادگان، وزراء، رجال، عالمان و بزرگان تا مردم متوسط در این مکان‌ها، تقویت‌کننده و قبولاننده این عقیده است. این اعتقاد و پافشاری، حمل اموات را به تجارتی پرسود برای اتباع شیعه عثمانی و دولت آنها کرده بود.

پولاک از تعصب مردم ثروتمند می‌نویسد که، جنازه آنها پس از مرگ به عراق منتقل شده و در مکان‌های مقدس مورد نظر آنها دفن می‌شوند و قیمت قبور، هرچه نزدیک به امام یا امام زاده باشد گران‌تر است (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵). شاید کمتر کسی صحنه‌های حمل این اجساد را ندیده بود و بسیاری از ایرانیان و بیگانگان با آن مواجه شده بودند (کرزن: ج ۱ / ۳۴۸-۳۴۷؛ اوین، ۱۳۳۵ : ۳۴۰-۳۳۹).

اجساد که در دین اسلام حرمت به آنها واجب است در مرزهای عثمانی توسط مأموران حکومتی که به زعم روزنامه، اغلب یهودی یا مسیحی بودند، مورد اهانت واقع می‌شدند؛ گویا مأمورین یهودی با میخ‌های آهنی، جهت اطمینان از سالم بودن اجساد، رفتار زشت و مشتمزکننده‌ای با آنان داشتند (حبل‌المتین، ۱۲ صفر ۱۳۲۶: ۱۲).

آیا آرامگاه یک جسم در حال فساد و پوسیده می‌توانست سرنوشت زندگی در دنیایی دیگر را رقم بزند؟ یا اینکه چشم و هم چشمی‌ها، فخروشی و مباحثات چون بیماری خورنده بر جان شاهان شیعه ایرانی و رعیت آن‌ها مسبب این اعمال بود و یا هر دو! هر چه بود کرورها و میلیون‌ها تومان سود بر جیب دشمنان دینی و سیاسی آنان وارد می‌کرد. مقاله‌ای درج شده در حبل‌المتین ادعا می‌کند سالیانه حمل جناز یک میلیون و هفتاد و پنج هزار غروش به بودجه مالیه عثمانی می‌افزاید (حبل‌المتین، ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۹: ۱۱).

۳.۶ وضعیت نامساعد مسافری

علاقه وافر بسیاری از شیعیان ایرانی، آن‌ها را تشویق می‌کرد علی‌رغم وضعیت معیشتی نامناسب با اندک سرمایه، خود را به هزاران بلا و مصیبت سپرده و به زیارت پیشوایان محبوب و معصوم خویش بشتابند. فقدان توان مالی، مشکلات بسیاری را بر آنان وارد می‌آورد. در بیشتر مواقع کشتی‌ها بیش از وزن مطمئن، انبوهی از زائرین فقیر را با اندک اجرتی به مقصد می‌رساندند و گاه به علت ازدحام جمعیت، کشتی غرق می‌شد. اگر از بخت بد، مسافری فقیر با فصول سرد مواجه می‌شدند، روزی نبود که «دو نفر یا سه نفر از زوار از گرسنگی و سرما و بیماری تلف نشوند...» (حبل‌المتین، ۱۶ شوال ۱۳۱۹: ۶).

با مطالعه چهار دهه روزنامه هر خواننده‌ای می‌تواند دریابد که حبل‌المتین رابطه چندین دوستانه‌ای با بسیاری از علما نداشت. انتقاد جسورانه حبل‌المتین بر علماء در این جا نیز ستودنی بود زیرا آنها را مخاطب ساخته و سرزنش می‌کند که فقط وظیفه نماز جماعت را به جا آورده و بی اعتنا بر فقرا «بر بستر راحت تکیه زده ابداً اعتنا ندارند...» (حبل‌المتین، ۱۶ شوال ۱۳۱۹: ۶)، فراوان دیده می‌شد بسیاری از این در راه ماندگان، به گدایی رو آورده و از این راه زندگی کرده و یا هزینه بازگشت خویش را تأمین می‌کردند. روزنامه جهت رفع این گونه لکه‌های ننگ، تأسیس «بانک حسینی» را به آقایان علما و مردم پیشنهاد می‌دهد (حبل‌المتین، ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۲: ۱۶). در شماره‌های دیگر نیز این پیگیری را می‌توان دید اما این چاره اندیشی نیز چون دیگر چاره اندیشی‌های دلسوزانه و بدون هیچ پشتوانه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دیگر روزنامه بدون هیچ نتیجه‌ای باقی ماند.^{۱۱}

اختصاص دادن حجم وسیعی از مکتوبات چاپ شده در زمینه آسیب‌های اقتصادی به عادات زیارت‌های افراطی و بدون تفکر عمیق مذهبی، رسومات و باورهای موهوم ایرانیان به سرنوشت اجساد پوسیدنی، بدون شک حاکی از عمق فاجعه در آن دوران و حساسیت

روشنفکران و چاره‌اندیشی آنان در این مسئله است. باتوجه به اینکه در این زمینه روابط با حکومت عثمانی از ضروریات اندیشیدن در راه حل آن بود؛ اما نگارندگان نقش حکومت را کمتر مورد توجه قرار داده و به نصایح اخلاقی در سطح کلان جامعه بسنده کرده‌اند و حتی در انتقاد از علماء نیز توقعات اساسی و سازنده خود را اغماض کرده‌اند.

در خاتمه باید گفت وضعیت زیارت ایرانیان در عتبات عالیات و تعصب در دفن مردگان در این اماکن؛ اگرچه توسط نگارندگان روزنامه به خوبی بیان شده؛ اما مراسله کنندگان چندان روشن و عریان به نتایج اقتصادی این گونه رسومات پرداخته‌اند؛ به هر حال تأمل در نوشته‌های آنان نشان می‌دهد اندیشه‌های روزنامه به هیچ وجه ضددینی نبوده و دغدغه آنان آثار و نتایج زیان‌بار اقتصادی این گونه بداندیشی‌ها و کج‌اندیشی‌ها بود که آن را نوعی هدر دادن سرمایه‌های اقتصادی ایران و خروج آن به کشور عثمانی - به خصوص - می‌دانستند؛ زیرا دولت عثمانی از ورود زائرین و جنازه‌ها سود سرشاری می‌برد و به نوعی رونق اقتصادی شهرهای مذهبی وی مدیون زائرین ایرانی، اعم از زندگان و مردگان بود، کما اینکه در این رهگذر زورگویی‌ها و اجحافات بسیاری در روابط خارجی با ایران اعمال می‌نمود و ناتوانی سیاسی ایران را به رخ می‌کشید. در مقابل عایدات ایران از این موضوع، خروج ثروت و سرمایه‌های کلان بدون هیچ گونه تقویت و پیشرفت اقتصادی نه برای دولت و نه خود مردم بود.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش که جامعه هدف آن ایران و زمان آن دوره قاجار است به بررسی چندین خصلت و آداب پرداختیم که اثر مخرب و آسیب‌زننده بر اقتصاد آن روزگار داشت، از آن جا که در هفته‌نامه حبل‌المتین به فراوانی به این موضوع پرداخته شده، اساس و منبع پژوهش خویش را بر مندرجات این هفته‌نامه استوار ساختیم.

از نظر دست‌اندرکاران این نشریه بسیاری از این عادات و رفتارهای فردی و اجتماعی ریشه در باورهای نادرست مذهبی دارند و قرائت نادرست ایرانیان آن روزگار از آموزه‌های دینی سبب ساز بسیاری از اینگونه آداب و رسوم بود؛ اگرچه بسیاری از افرادی که در رابطه با این موضوعات با نشریه مکاتبه داشتند، از دانایان و روشنفکران جامعه آن روزگار بودند و به جنبه‌های دیگر این مسائل و مشکلات از قبیل، تقدیرگرایی، تن‌پروری، بی‌اعتنایی و کم‌لطفی بزرگان، عناصر حکومتی، فرهنگ ناصحیح و ... پرداخته‌اند؛ اما چنین به نظر می‌رسد

این دلایل در حاشیه قرار داشته و از عوامل تشدید کننده به حساب آورده می‌شوند و نویسندگان بدون تکیه بر فلسفه‌ای منسجم و مستقل محوریت دین‌گرایی داشته‌اند. توجه به این نکته ضروری است که جبل‌المتین از معدود روزنامه‌های آن دوران بود که گرایش به جریان روشنفکری دینی داشته و به هیچ عنوان با اصول و قواعد دینی سرسبز نبود. همکاران سیدجلال‌الدین در کنار بسیاری از دغدغه‌های خویش از اوضاع اسفبار آن روزگار، همراه نگران وضعیت اقتصادی نابسامان سرزمین خویش بودند. هدف آنان در اصل بهبود وضع اقتصادی در ایران بود و طرح اینگونه موضوعات حاصل دل‌مشغولی‌های آنان در این زمینه بود. با نگاهی به تاریخ اینگونه مراسلات و با توجه به اینکه نگارنده، تمامی شماره‌های روزنامه را تا آخر دوره مورد مطالعه قرار داده است. می‌توان به این نتیجه رسید که قسمت عمده توجه به این موضوعات در بازه‌های زمانی و پیرامونی سال‌های پیش از نهضت مشروطه و پس از آن است که روزنامه در کنار دیگر جریان‌های فکری و در پی اجرای رسالت آگاه‌سازی تفکرات هموطنان خود به چنین موضوعاتی توجه خاص نموده و به آن پرداخته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. دیولافوآ در سفر خویش تصویری عجیب از آب آشامیدنی روستای مأمونیه را می‌دهد. (دیولافوآ، ۱۳۷۶: ۷۹).
۲. حاج سیاح نیز به نمایندگی از تمام ایرانیان بر همین عقیده تأکید دارد. (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۳۶).
۳. از جمله این اشارات می‌توان به تاریخ‌های زیر مراجعه کرد: روزنامه جبل‌المتین، ۱۱ رجب ۱۳۱۵: ۵۲؛ روزنامه جبل‌المتین، ۱۷ صفر ۱۳۱۷: ۳۷۳؛ روزنامه جبل‌المتین، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۲: ۱۵؛ روزنامه جبل‌المتین، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹: ۱۴؛ روزنامه جبل‌المتین، ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۴: ۱۵؛ روزنامه جبل‌المتین، ۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱۵؛ روزنامه جبل‌المتین، ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۹: ۹؛ روزنامه جبل‌المتین، ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹: ۱۱.
۴. در موارد بسیاری، روزنامه به کلیدی بودن این بند در سرایت بیماری‌ها اشاره کرده است که از جمله می‌توان به شماره‌های زیر مراجعه کرد: روزنامه جبل‌المتین، ۱۷ صفر ۱۳۱۸: ۳۷۳؛ روزنامه جبل‌المتین، ۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۸: ۱۵؛ روزنامه جبل‌المتین، ۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱۵.
۵. فوربث-لیث که سال‌ها به عنوان تنها منبع طب مدرن در تمامی نزدیک با جمعیت روستایی بود، چنین می‌نویسد: «مردم کاملاً در مورد اصول ابتدایی بهداشت نادان بوده و همه آنها تمام زندگی

- خود را در محاصره کتافت‌های غیرقابل توصیفی سپردی می‌کنند. عقاید نادرست و نهفته در دیرینه آنها، ر مورد مسائل سلامت و بیماری، بسیار سخت و دشوار است که زدوده شوند و ثابت شده است. هر تلاشی برای بهبودی شرایط شان امری دشوار است». (فلور، ۱۳۸۵: ۷۴).
۶. حبل‌المتین نیز اشاره می‌کند که مستوفیان و مالیات بگیران به درجه‌ای از امور مالیه را مغشوش و عرصه زندگی را بر مردم تنگ می‌کردند که «... اکثر مردم ایران از وظایف طبیعه که کسب معاد و معاش است بازمانده و تن به ننگ و تنبلی و بیماری در داده رفته رفته از جاده شریعت انحراف ... می‌جستند (حبل‌المتین، ۷ ربیع الاول ۱۳۱۹: ۱۰).
۷. ابراهیم بیگ در کتاب خود به مراتب و به دفعات تجمل‌گرایی ایرانیان را به زیر سؤال برده است (مراغه‌ای ۱۳۲۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۹).
۸. هنگامی که عید نوروز با ایام عزاداری در محرم قرین شد، روزنامه تعداد وارد شدگان به نجف را دویست هزار نفر عنوان کرد (حبل‌المتین، ۱۵ صفر ۱۳۱۹: ۸)، در برخی منابع این رقم نیم میلیون نفر نیز گزارش شده است. (اوبن، ۱۳۳۵: ۳۸۶).
۹. از علماء و مجتهدین نیز درخواست می‌شد به جای توقف در عتبات و ریختن پول به کیسه دولت دیگر، به ایران تشریف بیاورند و پول‌ها را صرف ساختن راه آهن کنند (حبل‌المتین، ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۹: ۱۰).
۱۰. جهت پیگیری این اعتراضات رجوع شود به: (حبل‌المتین، ۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۹: ۸)؛ (حبل‌المتین، ۱۳ رجب ۱۳۲۹: ۹)؛ (حبل‌المتین، ۴ شعبان ۱۳۲۹: ۱۰)؛ (حبل‌المتین، ۳ ذی حجه ۱۳۳۱: ۴).
۱۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به این شماره‌ها مراجعه کنید: (روزنامه حبل‌المتین، اول رمضان ۱۳۱۸: ۸)؛ (حبل‌المتین، ۸ رمضان ۱۳۱۸: ۱۷ و ۱۶).

کتاب‌نامه

- اوبن، اوژن (۱۳۳۵). ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۳۸). ایران و ایرانیان، ترجمه کی‌کاس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
- حاج سیاح، محمدعلی (۱۳۵۹). خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی، ج ۱، تهران: عطار.
- دیولافوآ، ژان (۱۳۷۱). ایران (کلده و شوش)، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، تهران: نگاه.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰). مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، ج ۲، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

عسیوی، چارلز (۱۳۸۸). تاریخ اقتصادی ایران قاجار، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره. فلور، ویلم (۱۳۸۶). سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات.

کرزن، جرج، ناتائیل (۱۳۳۷). ایران و قضیه ایران، ج ۱، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۲۳). سیاحت نامه ابراهیم بیگ، مصحح محمدعلی سپانلو، تهران: آگاه.

روزنامه

روزنامه حبل‌المتین (۱۵ صفر ۱۳۱۴) س ۳، ش ۲۵.

روزنامه حبل‌المتین (۲۲ صفر ۱۳۱۴) س ۳، ش ۲۶.

روزنامه حبل‌المتین (۲۱ شعبان ۱۳۱۴) س ۴، ش ۱۰.

روزنامه حبل‌المتین (۱۱ رجب ۱۳۱۵) س ۵، ش ۵.

روزنامه حبل‌المتین (۱۷ رمضان ۱۳۱۶) س ۶، ش ۱۴.

روزنامه حبل‌المتین (۱۴ ربیع الثانی ۱۳۱۷) س ۶، ش ۴۰.

روزنامه حبل‌المتین (۱۱ رمضان ۱۳۱۷) س ۷، ش ۱۱.

روزنامه حبل‌المتین (۲۴ ذی قعدة ۱۳۱۷) س ۷، ش ۱۱.

روزنامه حبل‌المتین (۱۷ صفر ۱۳۱۸) س ۷، ش ۳۲.

روزنامه حبل‌المتین (۲۶ صفر ۱۳۱۸) س ۷، ش ۳۱.

روزنامه حبل‌المتین (اول رمضان ۱۳۱۸) س ۸، ش ۱۳.

روزنامه حبل‌المتین (۸ رمضان ۱۳۱۸) س ۸، ش ۱۴.

روزنامه حبل‌المتین (۵ ذی قعدة ۱۳۱۸) س ۸، ش ۲۰.

روزنامه حبل‌المتین (۱۲ ذی قعدة ۱۳۱۸) س ۸، ش ۲۱.

روزنامه حبل‌المتین (۱۵ صفر ۱۳۱۹) س ۸، ش ۳۲.

روزنامه حبل‌المتین (۷ ربیع الاول ۱۳۱۹) س ۸، ش ۳۵.

روزنامه حبل‌المتین (۲۸ ربیع الاول ۱۳۱۹) س ۸، ش ۳۸.

روزنامه حبل‌المتین (۱۸ جمادی الاول ۱۳۱۹) س ۸، ش ۴۵.

روزنامه حبل‌المتین (۱۶ شوال ۱۳۱۹) س ۹، ش ۱۵.

روزنامه حبل‌المتین (۲۶ محرم ۱۳۲۰) س ۹، ش ۲۷.

روزنامه حبل‌المتین (۱۴ ربیع الثانی ۱۳۲۲) س ۱۱، ش ۳۷.

- روزنامه حبل المتین (۲۶ رمضان ۱۳۲۲) س ۱۲ ، ش ۱۴ .
روزنامه حبل المتین (۱۸ صفر ۱۳۲۳) س ۱۲ ، ش ۲۹ .
روزنامه حبل المتین (۵ جمادی الثانی ۱۳۲۴) س ۱۲ ، ش ۴۴ .
روزنامه حبل المتین (۵ ذی قعدة ۱۳۲۳) س ۱۳ ، ش ۱۹ .
روزنامه حبل المتین (۲۹ ذی حجه ۱۳۲۳) س ۱۳ ، ش ۲۶ .
روزنامه حبل المتین (۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۴) س ۱۴ ، ش ۳۹ .
روزنامه حبل المتین (۳ رمضان ۱۳۲۴) س ۱۴ ، ش ۳۹ .
روزنامه حبل المتین (۱۷ رمضان ۱۳۲۴) س ۱۴ ، ش ۱۱ .
روزنامه حبل المتین (۸ ذی حجه ۱۳۲۴) س ۱۴ ، ش ۴۵ .
روزنامه حبل المتین (۳ صفر ۱۳۲۵) س ۱۴ ، ش ۳۰ .
روزنامه حبل المتین (۲۴ صفر ۱۳۲۵) س ۱۴ ، ش ۳۴ .
روزنامه حبل المتین (۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵) س ۱۴ ، ش ۳۸ .
روزنامه حبل المتین (۱۲ صفر ۱۳۲۶) س ۱۵ ، ش ۳۳ .
روزنامه حبل المتین (۲۰ جمادی الاول ۱۳۲۸) س ۱۷ ، ش ۴۴ .
روزنامه حبل المتین (۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۹) س ۱۸ ، ش ۲۴ .
روزنامه حبل المتین (۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۹) س ۱۷ ، ش ۴۲ .
روزنامه حبل المتین (۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۹) س ۱۸ ، ش ۴۴ .
روزنامه حبل المتین (۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۹) س ۱۸ ، ش ۴۵ .
روزنامه حبل المتین (۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۹) س ۱۹ ، ش ۱ .
روزنامه حبل المتین (۶ رجب ۱۳۲۹) س ۱۹ ، ش ۳ .
روزنامه حبل المتین (۱۳ رجب ۱۳۲۹) س ۱۹ ، ش ۴ .
روزنامه حبل المتین (۴ شعبان ۱۳۲۹) س ۱۹ ، ش ۱۷ .
روزنامه حبل المتین (۳ ذی حجه ۱۳۳۱) س ۲۱ ، ش ۱۸ .
روزنامه حبل المتین (۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۲) س ۲۱ ، ش ۲۸ .
روزنامه حبل المتین (۹ رجب ۱۳۳۳) س ۲۳ ، ش ۴ .

رجایی، عبدالمهدی، موانع اجتماعی - فرهنگی تشکیل شرکت و تأسیس کارخانه در ایران در عصر قاجار، تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۴، ش ۲، صص ۲۴-۹۹، ۱۳۹۳.

شریفی، شیرین، غلامحسین زرگری نژاد، سینا فروزش، «بررسی حمل و نقل در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، براساس مندرجات روزنامه حبل المتین کلکته»، پژوهش نامه تاریخ، س ۱۱، ش ۴۴، صص ۱۰۰-۷۹، ۱۳۹۵.

شریفی، شیرین، غلامحسین زرگری نژاد، سینا فروزش، «بررسی معادن در دوران قاجار و تأثیر آن بر تجارت، براساس مندرجات روزنامه جبل‌المتین کلکته»، سکویه، س ۱۲، ش ۴۳، صص ۸۸-۵۹، ۱۳۹۶.

بهرامی کمیل، نظام، «بررسی مسایل اجتماعی ایران در جبل‌المتین»، روش شناسی تاریخ شفاهی، س بی تا، ش ۹۲ و ۹۱، صص ۱۹۲-۱۸۳، ۱۳۸۸.

فرجی، مهدی، «تحلیل رویکرد و راهکار روزنامه جبل‌المتین کلکته در قبال ترقی و علوم جدید (۱۳۱۳-۱۳۲۸ ق) براساس نظریه انتقادی، پژوهش‌های علوم تاریخی، س بی تا، ش ۹، صص ۱۹۱-۱۷۳، ۱۳۹۸.

